

دربارهٔ کلیله و دمنه

تاریخچه، ترجمه‌ها و دو باب ترجمه نشده
از کلیله و دمنه

نوشتهٔ محمد جعفر محبوب



شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	۱. اصل کلیله و دمنه
۱۷	الف. پنچانتترا
۲۷	ب. مهابهاراتا
۳۳	۲. ترجمه‌های کلیله و دمنه
۳۳	الف. ترجمه پهلوی کلیله و دمنه
۴۲	ب. ترجمه‌های قدیم و جدید و آخرین ترجمه سریانی کلیله و دمنه
۴۲	۱. ترجمه قدیم سریانی
۵۳	۲. ترجمه سریانی جدید
۵۴	۳. آخرین ترجمه سریانی
۵۵	ج. ترجمه‌های دیگر
۵۵	۱. ترجمه عبری منسوب به ربن جوئل
۵۶	۲. ترجمه لاتینی
۵۷	۳. ترجمه یونانی
۵۸	۴. ترجمه‌های گوناگون
۵۹	۵. ترجمه حبشی
۶۰	۶. ترجمه قدیم مالایایی
۶۱	د. ترجمه عربی
۶۱	۱. ترجمه ابن مقفع
۷۴	۲. ترجمه‌های عربی دیگر
۷۵	۳. نظم کلیله و دمنه به عربی
۸۰	۴. تقلید از کلیله و دمنه
۸۲	ه. ترجمه‌های فارسی کلیله و دمنه

- ۸۲ ۱. نخستین ترجمه فارسی. ترجمه منثور بلعمی و ترجمه منظوم رودکی
- ۹۳ ۲. ترجمه ابوالمعالی نصرالله معروف به کلیله و دمنه بهرامشاهی
- ۹۸ ۳. کلیله و دمنه منظوم قانع طوسی
- ۱۰۲ ۴. تهذیب مولانا حسین واعظ کاشفی موسوم به انوار سهیلی
- ۱۲۶ ۵. روش کاشفی در نگارش انوار سهیلی
- ۱۳۲ ۶. جاویدان خرد و کلیله و دمنه
- ۱۳۵ ۷. تهذیب ابوالفضل موسوم به عیار دانش
- ۱۳۸ ۷. نگار دانش
- ۱۳۹ ۸. اخلاق اساسی
- ۱۴۱ ۹. گلشن آرا
- ۱۴۲ ۱۰. شکرستان یا منظومه انوار سهیلی
- ۱۴۳ ۱۱. رای و برهن یا کلیله و دمنه منظوم
- ۱۴۳ ۱۲. کلیله و دمنه جدید
- ۱۴۴ ۱۳. نمایشنامه کلیله و دمنه
- ۱۵۰ و - ترجمه های ترکی کلیله و دمنه
- ۱۵۲ ز - تقلید و اقتباس از کلیله و دمنه
- ۱۶۱ ۳. باب های ترجمه نشده کلیله و دمنه
- ۱۶۲ الف. باب الحمامة والثعلب و مالک الحزین
- ۱۶۵ ب. باب ملک الجرذان و وزرائه (باب مهرایار)
- ۱۷۰ ۱. قصر بادگیر (ستون دوم)
- ۱۷۲ ۲. خرگوش بریده (ستون دوم)
- ۱۸۹ ضمیمه: مفرح القلوب
- ۱۹۴ حکایت منترلابه
- ۲۰۳ فهرست اعلام
- ۲۱۹ فهرست منابع عمده

اصل کلیله و دمنه

کتابی که امروز به نام‌های گوناگون کلیله و دمنه، انوار سهیلی، عیار دانش، همایون نامه و افسانه‌های بیدپای^۱ در ادب جهان معروف است، ایرانیان از هندوستان آورده، خود بابتی چند بدان افزوده و بدین صورت تنظیم و تبویب کرده‌اند.

منبع اصلی کتاب را باید در ادب غنی و کهنسال سنسکریت جست. برای اثبات این امر که کلیله و دمنه از آثار ادبی سنسکریت اقتباس و ترجمه شده اسناد و مدارک بسیار در دست است.

ابن ندیم در الفهرست گوید: «اما کلیله و دمنه در اصل و ریشه آن اختلاف است، گفته‌اند آن را هندوان پرداخته‌اند و این مطلب در صدر کتاب نیز آمده‌است. قولی دیگر وجود دارد مشعر بر آنکه این کتاب را ملوک اشکانی ساخته و به هندوان نسبت داده‌اند و نیز گفته‌اند ملوک قدیم فرس این کتاب را ساخته و به هندوان منسوب کرده‌اند و بعضی گویند که قسمتی از آن را بزرگمهر حکیم ساخته و خدا بر این مطلب داناتر است.»^۲

اما همین مؤلف آنجا که از کتاب‌های هند در احادیث و اسمار و خرافه نام می‌برد، نام کلیله و دمنه را نیز جزء کتاب‌های افسانه‌های هندی یاد می‌کند. نخستین کتابی که در این فصل ذکر شده کلیله و دمنه است که ابن ندیم از آن بدین گونه یاد می‌کند: «کتاب کلیله و دمنه و آن هفده باب است و هجده باب نیز گفته‌اند. عبدالله بن مقفع و دیگران آن را تفسیر کرده‌اند و این کتاب به شعر نیز نقل شد و آن را ابان

1. Fables de Bidpai

۲. الفهرست، چاپ لیبزیک، ۱۸۷۱ م.: ۳۰۴.

بن عبدالحمید بن لاحق بن عفیر رقاشی و علی بن داود و بشر بن المعتمد به شعر عربی درآورده‌اند و بشر بن المعتمد قسمتی از این کتاب را حذف کرد و من در نسخه‌ای دو باب زیادتر نیز دیده‌ام...^۱

بدین ترتیب ابن ندیم گرچه یک جا در هندی بودن اصل کتاب تردید کرده، اما خود آن را در صدر کتاب‌های افسانهٔ هندی جای داده‌است. بنا به قول ابن خلکان نیز چند تن این کتاب را به عبدالله بن مقفع نسبت داده‌اند.

اما تمام مورخان قدیم بر این عقیده‌اند که عبدالله بن مقفع فقط این کتاب را از پهلوی به عربی ترجمه کرده‌است و همچنین عقیده دارند که این کتاب به دستور خسرو انوشیروان به وسیلهٔ پزشکی ایرانی، برزوی یا برزویه‌نام، از هندوستان به ایران آمد و به زبان پهلوی ترجمه شد.

«مسعودی مورخ عرب‌زبان نیمهٔ اول قرن چهارم هجری کلیله و دمنه را به یکی از پادشاهان هند نسبت می‌دهد و مقدمه‌ای که در صدر ترجمهٔ پهلوی قرار داشته و خوشبختانه مترجم عربی نیز آن را ترجمه و نگاهداری کرده‌است، هیچ تردیدی دربارهٔ هندی بودن اصل کتاب باقی نمی‌گذارد. فردوسی نیز همین مطلب را در شاهنامه تکرار می‌کند، و با وجود این همه شاهد، و قرینه‌های دیگر در این باره انکار و تردید جایز نیست»^۲

هم اکنون متن سنسکریت قسمتی از ابواب کلیله و دمنه که از پنج‌تنترا^۳ و مه‌بهاراتا^۴ ترجمه شده، در دست است و بنا بر این جای هیچ گونه شک و شبهه باقی نمی‌گذارد. دربارهٔ این دو منبع اصلی کلیله و دمنه در همین گفتار به‌اشباع سخن خواهدرفت.

اما معلوم نیست به چه علت در ممالک عربی، عقیدهٔ عمومی به خلاف این مطلب است به طوری که هرکس در مصر و عراق و سایر کشورهای عربی تحصیل و کلیله و دمنهٔ عربی را مطالعه کرده این موضوع نیز بدو تلقین شده‌است که گویا کتاب کلیله و دمنه بر ساختهٔ عبدالله بن مقفع است و وی برای احتراز از گزندی که ممکن بود از ابراز عقایدش بدو رسد، این کتاب را به‌هندوان نسبت داده‌است. از این نظر بی‌فایده نیست که در این فصل دلایلی را که سیلستر دو ساسی از متن کلیله و دمنه استخراج کرده‌است بی‌آوریم؛ خاصه آنکه با وجود دردست‌بودن منبع‌های سنسکریت کلیله و دمنه استدلال دوساسی به قدری از نظر فن تحقیق و

۱. الفهرست، چاپ مصر، ۱۳۴۸ ه.ق.؛ ۴۲۲-۴۲۵.

۲. مقدمهٔ سیلستر دو ساسی بر نخستین چاپ کلیله و دمنهٔ عربی.

4. Mahā-bharata

3. Panchatantra

استنباط نتیجه از متن‌ها قابل ملاحظه است که می‌تواند سرمشقی برای اهل تحقیق باشد. دوساسی در این باب چنین اظهار عقیده می‌کند:

۱ - یکی از دلایل هندی بودن اصل کتاب، مطالبی است که دربارهٔ مسافرت و مأموریت برزویه در هندوستان در کتاب آمده‌است. نمی‌دانم به چه دلیل می‌توان لاقلاً از قبول اساس این داستان امتناع کرد؛ زیرا ناچار باید بپذیریم که برزویه از هندوستان علاوه بر کلیله و دمنه کتاب‌های مختلف دیگری از این دست نیز به همراه آورد و این مطلب را دو جملهٔ زیرین از متن عربی ثابت می‌کند: «فلما فرغ من انتساخت الکتاب و غیره مما اراد من سائر الکتب الی انوشیروان یعلمه بذلک»^۱ و: «فاقت علی هذه الحال و انتسخت کتباً کثیرةً و انصرفت من بلاد الهند و قد نسخت هذا الکتاب»^۲ و به شهادت این دو جمله در هندوستان چند کتاب به دست برزویه نسخه برداری شده و از مجموع آنها کتابی به نام کلیله و دمنه ترتیب داده‌اند. این عقیده که بسیار طبیعی به نظر می‌آید، می‌تواند بر وضع ظاهری و طبیعی این مجموعه نیز منطبق گردد: برای پذیرفتن این مطلب کافی است که کتاب را بکشایند و ببینند که به جز دو باب اول، که نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا کرد، باب‌های دیگر با هم و نیز با دو باب اول که شامل سرگذشت کلیله و دمنه است هیچ گونه ارتباط لازمی ندارد، جز اینکه این مؤلف مجموعهٔ آنها را فراهم آورده و تمام را از زبان دانشمندی بیدپای نام برای پادشاهی موسوم به دابشلیم نقل کرده و بالاخره می‌توان چند داستان دیگر نیز بر این مجموعه افزود بی‌آنکه در شکل و ترکیب مجموعه تأثیری داشته باشد یا نظم آن را برهم‌زنند.

۲ - تردیدی نیست که کلیله و دمنه، آن گونه که ما متن عربی آن را در دست داریم، دارای چند باب است که هرگز در نخستین مجموعهٔ آن وجود نداشته و به ترجمهٔ پهلوی افزوده شده‌است.

این مطلب را ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید قدیم‌ترین مترجم فارسی کلیله و دمنه که در زمان بهرام‌شاه غزنوی آن را ترجمه کرده، یادآورده می‌کند:

«... و کتاب کلیله و دمنه پانزده باب است، از آن اصل کتاب که هندوان کرده‌اند ده باب است:

۱. باب الاسد و الثور؛ ۲. باب الفحص عن امر دمنه؛ ۳. باب الحمامة المطوقه؛
۴. باب البوم والغربان؛ ۵. باب الملك والطائر فنزه؛ ۶. باب السنور والجرذ؛ ۷. باب الاسد

۱. کلیله و دمنهٔ عربی دوساسی (۱۸۱۶): ص. ۳۹، س. ۵-۶.

۲. همان کتاب، ص. ۷۷، س. ۴-۵.